



Prevention and Management Strategies of the Conflict of Interest in the Legal Systems of Iran and Kuwait

Mohammad Ali Haji Dehabadi¹, Abolfazl Parveen Kondrood² 

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom

2. Master's Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom

Abstract

Conflict of interest refers to a situation where an individual, organization or institution, due to the existence personal or group interests, is unable to perform their official and legal duties impartially and in the public interest. This conflict occurs when the individual or organization involved has personal or group interests that conflict with their public duties and responsibilities, and this conflict can lead to poor decision-making, abuse of power and corruption. This research has been written, with the aim of comparing and analyzing the prevention and management strategies of the conflict of interest in the legal systems of Iran and Kuwait. In this research, while examining the concepts and various dimensions of conflicts of interest, the existing laws and regulations in both countries in this area have been analyzed. Furthermore, using a descriptive-analytical method and utilizing library data, the legal structures, supervisory bodies, and enforcement mechanisms in both systems have been compared. The findings of the research show that both Iran and Kuwait recognize the importance of the issue of conflict of interest and have taken steps to prevent and manage it. However, there are differences in the approaches and legal tools used in both systems. In Iran, there are scattered laws and regulations regarding conflicts of interest, which are generally included in the framework of anti-corruption laws, while in Kuwait, more specific laws have been enacted to manage conflicts of interest.

Keywords: Conflict of interest, Corruption, Transparency, Social prevention, Management, Criminal justice.

Received: 08/12/2024

Revised: 10/02/2024

Accepted: 28/01/2025

How To Cite: Haji Dehabadi, Mohammad Ali, Parveen Kondrood, Abolfazl, (2025). Prevention and Management Strategies of the Conflict of Interest in the Legal Systems of Iran and Kuwait, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (1), 20-42. <https://doi.org/10.22091/dclic.2025.12079.1043>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در نظام حقوق کیفری ایران و کویت

محمدعلی حاجی ده آبادی^۱، ابوالفضل پروین کندرود^۲

۱. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: dr_hajidehabadi@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول) رایانامه: a.parvin@stu.qom.ac.ir

چکیده

تعارض منافع به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک فرد، سازمان یا یک نهاد، به دلیل وجود منافع شخصی یا گروهی، قادر به انجام وظایف رسمی و قانونی خود به‌طور بی‌طرفانه و در جهت منافع عمومی نیست. این تعارض زمانی رخ می‌دهد که فرد یا سازمان درگیر، دارای منافع شخصی یا گروهی باشد که با وظایف و مسئولیت‌های عمومی‌شان در تعارض است و این تعارض می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست، سوءاستفاده از قدرت و فساد شود. این پژوهش با هدف مقایسه و تحلیل راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در دو نظام حقوقی ایران و کویت نگارش شده است. در این پژوهش، ضمن بررسی مفاهیم و ابعاد مختلف تعارض منافع، به تحلیل قوانین و مقررات موجود در هر دو کشور در این زمینه پرداخته شده است. همچنین، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، به مقایسه ساختارهای قانونی، نهادهای نظارتی و مکانیسم‌های اجرایی در هر دو نظام پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو کشور ایران و کویت به اهمیت موضوع تعارض منافع واقف بوده و اقداماتی را برای پیشگیری و مدیریت آن انجام داده‌اند. با این حال، تفاوت‌هایی در رویکردها و ابزارهای قانونی به‌کار رفته در هر دو نظام وجود دارد. در ایران، قوانین و مقررات پراکنده‌ای در خصوص تعارض منافع وجود دارد که عموماً در چارچوب قوانین مبارزه با فساد قرار می‌گیرند، درحالی‌که در کویت، قوانین مشخص‌تری برای مدیریت تعارض منافع تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: تعارض منافع، فساد، شفافیت، پیشگیری اجتماعی، مدیریت، عدالت کیفری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

استناد: محمدعلی حاجی ده آبادی، ابوالفضل پروین کندرود، (۱۴۰۴). راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع در نظام حقوق کیفری ایران و کویت، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۲ (۱)، ۴۲-۲۰. <https://doi.org/10.22091/dcllic.2025.12079.1043>

ناشر: دانشگاه قم

نویسندگان ©

نوع مقاله: پژوهشی



مقدمه

تعارض منافع یکی از مهم‌ترین ریشه‌های بروز فساد در ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی است که در کشورهای توسعه یافته، قوانین شدید و سخت‌گیرانه‌ای برای آن مدنظر قرار گرفته است. در صورتی که بتوان این زمینه فساد و تخلف را به درستی شناسایی کرد، می‌توان راهکارهای متناسبی جهت مدیریت آن را طرح نمود که در نتیجه انگیزه و بستر بروز فساد، کاهش یابد. در نظام حقوقی ایران، بدون اینکه نامی از تعارض منافع برده شود، مضمون آن، به‌طور پراکنده در برخی قوانین و مقررات مورد توجه و اهتمام قانون‌گذار قرار گرفته است. این رویه نه تنها در مراجع قضایی، بلکه در مراجع رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی نیز معمول بوده است. علاوه بر این، قوانین متعدد دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به محدودیت یا ممنوعیت اقداماتی پرداخته‌اند که می‌توانند منجر به تعارض منافع شوند. لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت مصوب ۱۳۷۲، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ و قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ از این قبیل هستند. باین حال در قوانین یادشده، هدف اصلی، پیشگیری یا مدیریت تعارض منافع نبوده و عمدتاً با رویکرد کیفری به جرم‌انگاری برخی از مصادیق موقعیت‌های تعارض منافع پرداخته است. متأسفانه برخی از حوزه‌های مهم تعارض منافع، در این قوانین، مورد توجه واقع نشده و سازوکار مناسبی برای شناسایی و مدیریت انواع تعارض منافع تدارک دیده نشده است. همچنین بستر و زمینه کلی این قوانین، پیشگیری و مبارزه با فساد بوده است در صورتی که تعارض منافع با فساد یکی نیست (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۷: ۶۱). تا به امروز نیز در نظام حقوقی ایران هیچ قانون مستقل و کلی در حوزه مدیریت تعارض منافع به تصویب نرسیده است و لایحه ارائه شده با عنوان قانون مدیریت تعارض منافع از سوی معاونت حقوقی ریاست جمهوری نیز با چالش‌های مبنایی و انتقادات زیادی از حیث تقنینی و قابلیت اجرایی بودن روبه‌روست. در مقابل، در نظام حقوقی کویت علاوه بر وجود قوانین پراکنده، جهت مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع، یک قانون مستقل و جامع، تحت عنوان قانون پیشگیری از تعارض منافع وجود دارد که در سال ۲۰۲۳ به تصویب مجلس ملی کویت رسیده است (العجمی، ۲۰۲۳: ۱۴۱۳). در پژوهش حاضر به دلیل محدودیت‌های موجود صرفاً به بررسی برخی از مصادیق تعارض منافع و سازوکارهای

حقوقی و کیفری مقابله با آن در مواد و قوانین مختلف نظام حقوقی ایران و کویت پرداخته و در ادامه نیز به برخی از اشکالات، کاستی‌ها و نقایص موجود در قوانین هر دو کشور اشاره‌ای خواهد شد.

۱. تبیین مفهوم تعارض منافع

تعارض^۱ در فرهنگ لغت به معنی زدوخورد، کشمکش، نبرد، تصادم، برخورد، مغایرت، اختلاف و ناسازگاری معنا شده است (حییم، ۱۳۹۷: ۱۴۷). مفهوم لغوی تعارض در ذهن، مجموعه‌ای از بحران‌ها، بی‌انضباطی‌ها، اختلالات و خشونت‌ها را تداعی می‌کند (هندریک و همکاران، ۲۰۱۸: ۹). منفعت نیز در لغت به معنای سود، فایده، بهره و حاصل آمده است. درنهایت، تعارض منافع در لغت به معنای، خلاف یکدیگر آمدن، متعارض و مزاحم یکدیگر شدن، با هم مخالفت کردن و اختلاف داشتن آمده است (دهخدا، ۱۳۹۳: ۵۹۴۸). از مفهوم تعارض منافع تعاریف گوناگونی ارائه شده که جوهر اصلی آن‌ها مشترک است. برخی تعارض منافع را به این صورت تعریف کرده‌اند که تعارض منافع مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی است که این خطر و احتمال را ایجاد می‌کند که تصمیمات یا اقدامات حرفه‌ای شخص در باره منفعت اولیه، به‌صورت ناروا تحت تأثیر منفعتی ثانویه قرار گیرد (Institute of Medicine, 2009: 46).

برخی دیگر نیز گفته‌اند که تعارض منافع زمانی وجود دارد که منافع خصوصی شخص با وظایف و مسئولیت رسمی وی مشتمل بر تکلیف عمومی به اجرای اقدامات و تصمیمات رسمی به روشی غیرمغرضانه در تعارض باشد (Davids, 2008: 37). اولین بار در سال ۱۹۹۳ دنیس تامپسون از اصطلاح تعارض منافع استفاده کرد و آن را چنین تعریف کرد: مجموعه شرایطی که منافع یا علایق اولیه و ثانویه شخصی در خلاف جهت یکدیگر قرار می‌گیرند و شاید اقدامات و قضاوت حرفه‌ای او را تحت تأثیر آن قرار دهد. بدین ترتیب، تعارض منافع هنگامی روی می‌دهد که منافع شخصی یا اقتصادی فرد با وظایف حرفه‌ای یا سازمانی او مغایرت داشته و این مغایرت توانایی وی برای اتخاذ تصمیمات و ارائه قضاوت‌های قابل اطمینان بی‌طرف و عینی را به تحلیل می‌برد یا آن را ناقص می‌کند (Thompson, 1993: 573).

تعاریف فوق هر یک با تأکید بر عنصر خاصی از مفهوم تعارض بیان شده‌اند، اما جوهره اصلی همه تعاریف یکسان است و در مقام جمع‌بندی تعاریف مربوط باید گفت: تعارض منافع عبارت است از وضعیتی که در آن یک شخص که مسئول حمایت از منافع دیگران است، به دلیل اعتماد دیگران بر وصف امانت‌داری یا بی‌طرفی او، قادر به اتخاذ تصمیمات و اعمال اقداماتی باشد که آثار و نتایج این تصمیمات و اقدامات وی

^۱ conflict.

دامن‌گیر دیگران گردد و نیز بیم آن وجود دارد که تصمیم‌گیرنده منافع شخصی خود را بر منافع دیگران مقدم بدارد. همچنین بر اساس تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی تعارض منافع به موقعیتی اطلاق می‌شود که فرد بین وظایف و نیازهای پست خود و منافع خصوصی دچار تعارض می‌شود. مفهوم تعارض منافع و فساد به شدت به هم پیوسته هستند.

تعارض منافع زمانی وجود دارد که کارکنان بتوانند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند و فساد زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان از موقعیت خود سوءاستفاده کرده باشند. بنابراین، هرچند وجود تعارض منافع لزوماً به فساد منجر نمی‌شود، ولی غالباً وقوع فساد در بستر یک موقعیت تعارض منافع رخ می‌دهد؛ بنابراین با توجه به ارتباط بین تعارض منافع و فساد، پیشگیری از تعارض منافع راهکاری اساسی جهت پیشگیری از انواع مفاسد خواهد بود. به هر حال، شاید نتوان همه فسادها را لزوماً ناشی از یک موقعیت تعارض منافع دانست که از جمله می‌توان به پدیده رشوه اشاره کرد. بر این اساس، برای مقابله با فساد، تمرکز بر پیشگیری از طریق اصلاح قوانین برای مدیریت تعارض منافع می‌تواند اثرات مثبت قابل توجهی داشته است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۶).

۲. پیشگیری از وقوع جرم و انواع آن

مفهوم پیشگیری از جرم را اولین بار «انریکو فری» تحت عنوان جانشین‌های کیفری مطرح نمود. به اعتقاد او نظام کیفری به تنهایی نمی‌تواند برای مبارزه با بزهکاری موفق باشد؛ بنابراین باید از مداخله‌ها و اقدامات پیش از وقوع جرم نیز استفاده نمود. لذا از دیدگاه او تدابیر پیشگیرانه جرم‌دربگیرنده تدابیر و اقداماتی است که جنبه قهرآمیز کیفری ندارند. ریموند گسن جرم‌شناس فرانسوی، پیشگیری را مجموعه تدابیری به جز تدابیر کیفری می‌داند که هدف آن منحصرأ محدود کردن دامنه ارتکاب جرم، غیرممکن کردن، مشکل کردن و کاستن احتمال وقوع جرم است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). پیشگیری از جرم، پدیده‌ای چندوجهی است که برای درک بهتر آن، نیازمند تقسیم‌بندی به حوزه‌های مختلف است. یکی از بنیادی‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، جداسازی پیشگیری اجتماعی از پیشگیری وضعی است. پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و اصولاً برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی شده است.

تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها برای تفریح، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی (عباچی، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۰) با وجود اینکه قوانین جزایی کویت مانند قوانین جزایی ایران، بیشتر بر روی جرم و مجازات تمرکز دارند و کمتر به پیشگیری از وقوع جرم پرداخته‌اند، اما قانون‌گذار کویتی در یک نوآوری و ابتکار در قانون نحوه اجرای احکام کیفری این کشور به‌طور محدود و خاص به اقدامات پیشگیرانه یا تأمینی پرداخته است. در بین مواد ۲۳ تا ۳۵ این قانون و قبل از ورود به بحث تحقیقات مقدماتی، بخشی تحت عنوان اقدامات پیشگیرانه وجود دارد که این اقدامات، مجازات محسوب نمی‌شوند، بلکه ابزاری هستند که قاضی می‌تواند برای جلوگیری از ارتکاب جرم توسط افراد پرخطر اعمال کند.

این اقدامات در مواردی اعمال می‌شود که قاضی معتقد باشد فردی به دلیل سابقه کیفری، شخصیت یا شرایط خاص، احتمال دارد مرتکب جرم شود و شامل تعهد به اخذ وجه التزام، معرفی ضامن، سپردن وثیقه و ... می‌شوند (الرشیدی و بوعلی، ۲۰۲۱: ۱۳۸). در اینجا شایان ذکر است که تدابیر و دستورات تعویق صدور حکم مراقبتی در مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی با اینکه شباهت‌هایی به این تدابیر و دستورات دارند، اما ناظر به بعد از احراز مجرمیت متهم می‌باشند. همان‌گونه که در متن ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است، اما این تدابیر و دستورات نه برای مجرم و نه حتی برای متهم، بلکه برای پیشگیری از وقوع جرم و برای افراد مشکوک به ارتکاب جرم و خطرناک برای جامعه وضع هستند.

مطابق ماده ۲۶ قانون نحوه اجرای احکام کیفری کویت، پلیس و نیروی انتظامی این کشور مجازند در شرایط خاصی از دادستان درخواست صدور دستورات پیشگیرانه نمایند. این شرایط به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند تا افرادی که احتمال ارتکاب جرم، به‌ویژه جرائم مالی و فساد، در آن‌ها وجود دارد را پیش از وقوع جرم شناسایی و مهار نمایند. ازجمله این شرایط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ فرد به جرمی مانند ضرب و جرح یا سرقت متهم شود، حتی اگر تبرئه یا پرونده به دلیل فقدان ادله کافی مختومه شده باشد، شهرت به ارتکاب جرائم علیه اشخاص یا اموال داشته باشد، شغل مشخصی نداشته باشد و از راه نامشروع امرار معاش کند. با نگاهی دقیق‌تر به هر یک از موارد ذکر شده، می‌توان به ارتباط آن‌ها با مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع پی برد با این توضیح که هدف قانون‌گذار در این موارد، شناسایی افرادی است که احتمال ارتکاب جرم در آن‌ها بیشتر است تا بتواند اقدامات نظارتی و پیشگیرانه لازم را انجام دهد. برای نمونه افرادی که سابقه کیفری دارند یا به

ارتکاب جرائم شهرت دارند، یا شغل و منبع درآمد مشخصی ندارند، ممکن است در آینده، به دنبال فرصت‌هایی برای ارتکاب جرم باشند.

این افراد ممکن است در شرایط و موقعیت‌هایی قرار گیرند که منافع شخصی آن‌ها با منافع عمومی در تضاد قرار باشد و در نتیجه به تعارض منافع دچار شوند و همین تعارض منافع به فساد و وقوع جرم بیانجامد (جهینی، ۱۳۶: ۲۰۲۰). از دیگر موادی که در قانون نحوه اجرای احکام کیفری کویت، جهت پیشگیری از وقوع جرم و به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی وضع گردیده است، ماده ۱۴ قانون فوق‌الذکر است که اعلام می‌دارد تمامی افرادی که شاهد وقوع جرمی بوده یا از آن اطلاع دارند، موظف هستند این موضوع را در اسرع وقت به نزدیک‌ترین اداره پلیس گزارش دهد و حتی در صورت عدم گزارش دهی با مجازات روبرو خواهند شد. درواقع الزام به گزارشگری جرم توسط شهروندان ازجمله اقدامات پیشگیرانه دولت کویت برای کنترل جرائم به‌ویژه جرائم مالی و فساد دولتی است (بوعرکی و العیفان، ۲۰۲۱: ۱۰۹).

این اقدام دولت کویت باعث افزایش شفافیت در جامعه، پاسخگویی در مقابل شهروندان، افزایش خطر و ریسک جرم، مشارکت جامعه مدنی در تعقیب جرائم، کاهش هزینه‌ها و مشکلات کشف جرم برای دستگاه قضایی و... می‌شود که همه اینها راهکارهای اعلامی توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی جهت مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع هستند تا منجر به فساد نشود. در مجموعه قوانین و مقررات موضوعه ایران نیز تکلیف به اعلام و گزارشگری جرم فقط در مورد اشخاص و مقامات خاص بمانند، افراد و اشخاص موضوع ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، پیش‌بینی شده است، ولی در مورد حق و تکلیف افراد عادی به اعلام و گزارش جرم، قانون ساکت است. شایان ذکر است که در ماده ۳۷ قانون مبارزه با فساد کویت و آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت تعارض منافع نیز به مکانیسم گزارشگری جهت پیشگیری از وقوع جرم اشاره شده است و برای گزارشگران حمایت‌هایی ازجمله افشا نشدن هویت، محافظت از شغل و محل سکونت گزارشگر و خانواده‌اش، تضمین پرداخت حقوق و مزایای شغلی و... در نظر گرفته شده است.

۳. شناسایی مصادیق و اشکال بروز شرایط تعارض منافع

با توجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی تعارض منافع و تلاش‌های صورت گرفته جهت مشخص کردن مفهوم آن، برخی از محققان با اجتناب از ارائه ضوابطی در خصوص موضوع، به احصاء مصادیق تعارض منافع پرداخته‌اند. یکی از بارزترین این تلاش‌ها، تعارض منافع را در هفت شکل و مصداق گوناگون مورد شناسایی قرار داده است (Commonwealth Secretariat, 2008: 348).

معامله با خود: معامله با خود بدین معناست که فردی که دارای سمت یا موقعیتی خاص است از نفوذ خود برای اطمینان از انعقاد قراردادی ویژه با خود یا مرتبطين به خود استفاده می‌کند. همانند وکالت در نکاح چنانچه وکیل از حدود اختیارات خود عدول کرده و علی‌رغم عدم تصریح موکل، او را به نکاح خود درآورد. ۱. پذیرش هرگونه امتیاز و منفعت مثل دریافت هدیه: در این قسم از تعارض منافع صاحبان منصب و به خصوص کارکنان دولت ناپستی در ازای ارائه خدمات یا انجام دادن یا ندادن عملی، هدیه یا منفعتی مالی دریافت کنند. این قسم همه اقسام دریافت مزیت را در بر می‌گیرد و ممکن است برای عمل موصوف ضمانت اجرای کیفری همانند رشوه که در مباحث آتی خواهد آمد، پیش‌بینی شده باشد.

۲. اعمال نفوذ: فرد به جهت موقعیتی که دارد در ازای اعمال نفوذ خویش هدیه یا منفعتی ولو اندک را صاحب می‌شود آنچه به عنوان عنصر کلیدی این قسم، شناخته شده، کسب سود است که در ازای اعمال نفوذ مطرح می‌شود این عمل نیز می‌تواند از وصف کیفری برخوردار باشد.

۳. استفاده از اموال سازمانی: برای مثال فردی که صاحب شغل یا مسئولیتی است از اموال و اشیاء محل کار خود که می‌تواند دولتی یا خصوصی باشد، برای امور شخصی استفاده کند.

۴. بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی: شخص به خاطر داشتن موقعیت یا منصبی، از داده‌های محرمانه و شغلی خود برای به دست آوردن منافع یا اهداف شخصی استفاده نماید. آنچه در این قسم از مصادیق تعارض منافع اهمیت زیادی برخوردار است، دستیابی و استفاده از اطلاعاتی است که در دسترس عموم مردم قرار ندارد و فرد به واسطه دسترسی خود به این داده‌ها و با قرار گرفتن در موقعیتی نابرابر با دیگران، اقدام به اعمالی می‌کند که نتیجه آن کسب منافع یا اجتناب از ضرر برای خویش است.

۵. جمع مشاغل: تصاحب دو یا چند شغل و منصب در صورتی که شغل دوم با منافع شغل اول در تعارض باشد.

۶. فعالیت‌های پسا استخدامی: منظور شرایطی است که فرد پس از استخدام و شروع فعالیت در یک شغل با استفاده از روابطی که در شغل سابق خود داشته اقدام به لابی‌گری و کسب منفعت می‌کند و از موقعیت سابق خود برای پیشبرد اهداف خود در شغل جدیدش استفاده می‌نماید (Kernaghan & Langford).

(152: 1990) در ماده ۲۵ قانون خدمات عمومی و کشوری شماره ۱۵ سال ۱۹۷۹ کویت به بسیاری از موارد فوق‌الاشاره همانند معامله با خود، پذیرش هرگونه منفعت یا امتیاز، سوءاستفاده از موقعیت و اعمال نفوذ، بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی و... به عنوان ممنوعیت‌های کارمندان دولت اشاره شده است. در بند پنجم ماده ۲۵ قانون خدمات کشوری کویت آمده است:

«کارمند نباید هرگونه اطلاعاتی را که به‌طور طبیعی محرمانه است یا طبق دستورالعمل‌های خاص باید محرمانه بماند، افشا یا منتشر کند، مگر اینکه مجوز کتبی از وزیر داشته باشد. این ممنوعیت حتی پس از پایان خدمت کارمند نیز ادامه دارد. همچنین اصل اسناد رسمی یا نسخه‌های آن‌ها را (چه کاغذی چه نوار ضبط چه هر چیز دیگر) که مربوط به سازمان دولتی است که در آن کار می‌کند، حتی اگر به‌طور شخصی به او محول شده باشد، نزد خود نگه دارد. این بند نیز به بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی و فعالیت‌های پسا استخدامی به‌عنوان مصادیقی از تعارض منافع اشاره دارد که قانون‌گذار کویته به‌صراحت به این موارد نیز پرداخته است» (راغب الحلو، ۱۹۸۱: ۱۰۴). لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی که در سال ۱۳۹۸ به تصویب هیئت وزیران رسیده است، نیز در ماده ۱۵ خود در اقدامی مشابه به بیان مصادیق تعارض منافع می‌پردازد.

در این ماده چنین آمده است که «موارد زیر از مصادیق تعارض منافع محسوب می‌شود؛ ۱. تصمیم، اقدام یا دستور مورد نظر بر فرصت‌های شغلی شخص مشمول این قانون پس از خاتمه خدمت عمومی یا بر فرصت‌های شغلی بستگان یا شرکایش تأثیر ناروا بگذارد؛ ۲. تصمیم، اقدام یا دستور مورد نظر، بر ارزش سهام یا سایر اوراق بهادار یا سایر اموال و حقوق یا موقعیت‌های مالی شخص مشمول این قانون یا بستگان یا شرکایش، تأثیر ناروا بگذارد؛ ۳. شخص مشمول این قانون یا بستگان یا شرکای او دارای حرفه یا فعالیتی باشند که به‌واسطه آن از تصمیم اقدام یا دستور مورد نظر به نحو ناروا منتفع شوند؛ ۴. شخص مشمول این قانون از شخصی که در نتیجه، تصمیم اقدام یا دستور مورد نظر، منتفع یا متضرر می‌شود، ظرف مدت یک سال پیش یا پس از اتخاذ تصمیم یا اقدام هدیه یا کمک یا مساعدت مالی یا غیرمالی دریافت کرده باشد؛ ۵. شخص مشمول این قانون به شخصی که درباره او تصمیم می‌گیرد یا اقدام صورت می‌دهد یا دستور صادر می‌کند، بدهکار بوده یا از او طلب داشته باشد و...».

۴. بی‌طرفی مقام قضایی و جهات رد دادرس در آیین دادرسی کیفری

در حقوق ایران موارد رد دادرس، به‌صورت حصری و محدود به مراتب ذکر شده در قانون پیش‌بینی و این امر سبب شده است که بسیاری از موارد مهم وجود تعارض منافع در قاضی مشمول موارد دادرس نباشد؛ برای مثال در خصوص ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوی یا شریک یا معاون جرم، اگرچه در ظاهر قلمرو گسترده‌ای را شامل می‌شود؛ اما برخی مصادیق دیگر مانند پدر، مادر، برادر و خواهر، عروس (همسر فرزندان) دادرس را در بر نمی‌گیرد. یا در خصوص بند (ج) ماده ۴۲۱ قانون مذکور (داشتن نفع شخصی در موضوع مطروحه) برخی

نوشته‌اند که عبارت نفع شخصی قدری مبهم و قابل تأمل است، زیرا قلمرو آن را نمی‌توان به سادگی تعیین کرد. البته این یک اصل بنیادین است که فرد نمی‌تواند قاضی پرونده خودش باشد، بر همین اساس نه تنها وقتی که قاضی یک طرف پرونده است، بلکه اگر به طور غیر مستقیم نفعی عاید او شود باید از رسیدگی امتناع کند (طهماسبی، ۱۳۹۷؛ ۱۹۹).

چرایی وضع قواعد مربوط به رد دادرس در پرتو اصل بی‌طرفی مفهوم پیدا می‌کند و لزوم رعایت بی‌طرفی در روند رسیدگی به یک پرونده کیفری به هیچ عنوان محدود به مرحله رسیدگی در دادگاه نمی‌شود، بلکه از مرحله تعقیب جرم تا اجرای مجازات را در بر می‌گیرد. در همین راستا باز پرس نیز به عنوان یک قاضی، بایستی دلایل را به شکلی بی‌طرفانه جمع‌آوری نماید، اگرچه همواره در مسیر جمع‌آوری ادله، باز پرس ممکن است با فشارهای روانی که از سوی بزه‌دیده، متهم، یا هر شخص ذی‌نفوذ و نفع‌وارد می‌شود، مواجه گردد (یوسفی، ۱۳۹۵: ۲۱). از جلوه‌های اصل دادرسی بی‌طرفانه در رابطه با باز پرس در قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان به مواد ۲، ۳، ۹۳ و ۹۴ این قانون اشاره نمود. البته شایان ذکر است که یادآور شویم که واژه دادرس در ماده ۴۲۱ قانون آ.د.ک، در معنای عام آنکه معادل قاضی است به کار رفته است. لذا در ارتباط با مقامات دادرس و به منظور رفع هرگونه شبهه و ایضاح مطلب، ماده ۴۲۴ آ.د.ک مقرر داشته است؛ مقامات قضایی دادرس نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا باز پرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند... (آشوری، ۱۴۰۰: ۲۲۱). در مقابل، ماده ۱۷۳ قانون نحوه اجرای احکام کیفری کویت (قانون آیین دادرسی کیفری کویت مصوب ۱۹۶۰ با اصلاحات ۲۰۲۴) جهات رد دادرس و موارد عدم صلاحیت قاضی در رسیدگی به پرونده کیفری را به قانون آیین دادرسی‌های مدنی و تجاری کویت ارجاع می‌دهد و بیان می‌دارد؛ در مواردی که قاضی، صلاحیت رسیدگی به دعوی کیفری را نداشته باشد، یا امکان رد قاضی وجود داشته باشد و همچنین در خصوص مراحل و تشریفات رد قاضی، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری اعمال می‌شود.^۱

با مراجعه به بندهای آخر ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی‌های مدنی و تجاری کویت^۲ برای جهات رد دادرس مواردی ذکر شده است که بسیار جامع‌تر می‌باشند. بندهای آخر این ماده بیان می‌دارند که اگر قاضی عادت کرده باشد که با یکی از طرفین دعوا غذا بخورد (مؤاکلة) و یا با او زندگی کند (مساکنته) یا اگر قاضی هدیه‌ای

۱. تسري أحكام قانون المرافعات المدنية والتجارية في الأحوال التي يكون فيها القاضي غير صالح لنظر الدعوى، وفي الأحوال التي يجوز فيها رد القاضي وفي الإجراءات التي تتبع في رده.

۲. اذا كان قد اعتاد مواكلة احد الخصوم او مساكنته او كان قد تلقى منه هدية قبيل رفع الدعوى او بعده، اذا كان بينه وبين احد الخصوم عداوة او مودة يرجع معها عدم استطاعته الحكم بغير ميل

قبل یا بعد از طرح دعوی از طرفین دعوا دریافت کرده باشد (أو كان قد تلقى منه هدية قبيل رفع الدعوى أو بعده) و همچنین اگر بین قاضی و یکی از طرفین دعوا دشمنی یا دوستی وجود داشته باشد که احتمال دهد او نتواند بدون تعصب قضاوت کند (إذا كان بينه وبين أحد الخصوم عداوة أو مودة يرجح معها عدم استطاعته الحكم بغير ميل) از جهات رد دادرس محسوب خواهند شد (العصیمی، ۲۰۲۰: ۷۱۳). همچنین ماده ۲۵ قانون خاص تنظیم امور قضایی^۱ برای اطمینان از رعایت عدالت، بی طرفی، استقلال و کارآمدی سیستم قضایی، قاضی را از انجام هرگونه فعالیت تجاری یا کاری که با شأن قضاوت مغایرت داشته باشد، منع کرده است. این قانون تصریح می‌کند که قاضی نمی‌تواند هم‌زمان هم به قضاوت پرداخته و هم به فعالیت‌های تجاری یا هر شغل دیگری که با شأن قضاوت ناسازگار است، مشغول باشد و شورای عالی قضایی می‌تواند در صورت تشخیص چنین شرایط و موقعیتی، قاضی را از انجام قضاوت منع کند. همچنین قاضی نمی‌تواند به‌عنوان داور فعالیت داشته باشد مگر با موافقت شورای عالی قضایی (العصیمی، ۲۰۲۰: ۷۱۴).

با عنایت به مطالب مذکور لازم است قوانین ایران نیز اصلاح شود، بدین صورت که یا مصادیق رد دادرس را به‌صورت تمثیلی بیان کند یا موارد تعارض منافع را نیز به‌عنوان یکی از بندهای رد دادرس بیان نماید. علاوه بر مورد مذکور از ایرادات عمده نظام حقوقی ایران این است که موارد رد دادرس را صرفاً ناظر بر حالتی پیش‌بینی کرده که قاضی در مقام رسیدگی‌های موردی و صدور حکم خاص در یک دعواست و برای حالتی که قاضی عضوی از اعضای هیئت عمومی برای صدور حکم وحدت رویه یا ایجاد رویه است یا حتی عضوی از هیئت عمومی برای رسیدگی به رأی اصراری است، موارد رد دادرسی پیش‌بینی نشده است. این در حالی است که بروز تعارض منافع در مقام قاعده‌گذاری چه بسا شدیدتر از تعارض منافع در امور قضایی جزئی باشد، در صورتی که در قوانین کویت نه تنها به تعارض منافع قاضی در مقام رسیدگی به پرونده و دعوا، بلکه در ماده ۲ قانون پیشگیری از تعارض منافع سال ۲۰۲۳ کویت^۲ به رئیس، مستشاران و اعضای شورای عالی قضایی نیز اشاره و پرداخته شده است. در بند (الف) ماده ۲ قانون پیشگیری از تعارض منافع شماره ۱ سال ۲۰۲۳ کویت بیان شده است که افراد مقرر در ماده ۲ قانون تأسیس هیئت مبارزه با فساد شماره ۲ سال ۲۰۱۶

۱. لايجوز الجمع بين وظيفة القضاء و مزاوله التجاره أو أي عمل لا يتفق و كرامه القضاء و استقلاله و يجوز لمجلس القضاء الاعلى أن يقرر منع القاضي من مباشرة أي عمل يري أن القيام به يتعارض مع واجبات الوظيفة و حسن ادائها

۲. مادة ۲؛ يخضع لأحكام هذا القانون الفئات الآتية:

۱. الفئات المنصوص عليها في المادة: ۲. من القانون رقم ۲ لسنة ۲۰۱۶ المشار اليه.

۲ الموظفون العموميون العاملون في الجهات الحكومية والهيئات العامة والمؤسسات العامة و...

مشمول این قانون نیز می‌شوند، چراکه در نظام حقوقی کویت جرائم ناشی از موقعیت‌های تعارض منافع مشمول قانون مبارزه با فساد شده و تحت عنوان فساد پیگیری می‌شوند (مسعی الرشیدی، ۲۰۲۳: ۷).

۵. مدیریت تعارض منافع در نظام کیفری ایران و کویت

قانون‌گذار ایران در راستای مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع و جلوگیری از سوءاستفاده از این موقعیت‌ها و پیشگیری از فساد از به‌کارگیری نظام کیفری غافل نبوده و بعضاً و به فراخور اهمیت موضوع واکنش کیفری متناسب را انتخاب کرده و با جرم‌انگاری بعضی اعمال مرتبط در این حوزه به تعیین مجازات پرداخته است. طبیعتاً احصاء تمامی موارد جرم‌انگاری شده در خصوص موقعیت‌های تعارض منافع به سادگی ممکن نبوده و بر فرض تحقق چنین عملی، فایده‌ای خاصی بر آن مترتب نیست، لذا در ادامه به منظور احراز رویکرد کیفری قانون‌گذار نسبت به این موضوع به بررسی برخی از مصادیق بارز واکنش‌های کیفری در موقعیت‌های تعارض منافع در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۵-۱. رشاء و ارتشا

رشاء به معنی رشوه دادن و ارتشا به معنی رشوه گرفتن است. این جرائم در زمره جرائم علیه آسایش عمومی هستند و باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به کارمندان دولتی اعم از قضایی و اداری می‌شود و صدمه و آسیب آن قبل از اینکه متوجه افراد خاصی شود، عاید نظام قضایی و اداری کشور می‌شود یکی از بارزترین و مهم‌ترین جرم‌انگاری‌ها در حوزه تعارض منافع، جرم‌انگاری گرفتن رشوه توسط مأموران و کارکنان ادارات دولتی و عمومی است. به موجب ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵، هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است، وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد، در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشا به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

به کارگیری عبارت در حکم راشی به جای واژه راشی در ماده فوق‌الذکر احتمالاً ناشی از تأثیرپذیری مقنن از فقه باشد، چراکه غالباً بحث رشوه در باب قضا مورد بررسی قرار گرفته است و ظاهراً مقنن چنین انگاشته که رشاء و ارتشا مخصوص باب قضا است و مابقی موارد را در حکم رشاء و ارتشا محسوب کرده است (پوربافرانی، ۱۳۹۶: ۲۷۸). همچنین به موجب ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از

قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیماً قبول نماید در حکم مرتشی است... مقنن در سه پاراگراف طولانی که با کمی دقت می‌توانست مختصرتر نگارش کند، به وضع مجازات پرداخته است.

در نظام حقوقی کویت رشوه در زمره جرائم فساد مالی است که در بند (الف) ماده ۲۲ قانون تأسیس هیئت مبارزه با فساد از آن نام برده شده است؛ اما این جرم به‌طور اختصاصی در ماده ۳۵ قانون جزایی شماره ۳۱ سال ۱۹۷۰،^۱ جرم‌انگاری شده است. ماده ۳۵ قانون فوق‌الذکر در تعریف رشوه اشعار می‌دارد: هر کارمند دولتی که برای خود یا شخص دیگری، وعده یا هدیه‌ای را بپذیرد یا طلب کند تا کاری را انجام دهد یا از انجام عملی خودداری کند. این عبارت به این معنی است که رشوه فقط زمانی به وقوع می‌پیوندد که کارمند دولت برای به دست آوردن منفعت مادی یا معنوی برای خود یا دیگری، رشوه را درخواست یا قبول کند.

درواقع، رشوه با توافق قبلی و درخواست یا پذیرش هدیه یا مالی از سوی کارمند به وقوع می‌پیوندد و مواردی مثل استخدام بستگان بدون دلیل موجه را در بر نمی‌گیرد. از این جهت، جرم‌انگاری جامعی برای مدیریت تعارض منافع کارمند دولت نیست (العمومی، ۲۰۲۰: ۶۸). همچنین قانون جزای کویت که در سال ۱۹۷۰ اصلاح شد، قانون‌گذار به این نکته توجه کرد که ممکن است کارمندی پیشنهاد رشوه را دریافت کند، اما آن را نپذیرد. به همین جهت در ماده ۴۱،^۲ همین قانون برای این عمل مجرمانه مجازات حبس تا پنج سال یا جریمه تا هزار دینار یا هر دو را تعیین کرد. به عبارت بهتر در کویت، اگر شخصی به یک کارمند دولتی پیشنهاد پول یا هدیه بدهد تا کاری را برای او انجام دهد یا از انجام کاری خودداری کند، حتی اگر آن کارمند این پیشنهاد را قبول نکند، باز هم فرد رشوه دهنده (راشی) مرتکب جرم شده و مجازات خواهد شد (علی غشام، ۲۰۱۸: ۳۴۱).

۱. يعاقب بالحبس مده لاتجاوز عشر سنوات و بغرامه تساوی ضعف قيمه ما اعطی او وعد به حيث لا تقل عن خمسين ديناراً كل موظف عام طلب او قبل لنفسه او لغيره وعدا او اعطيه لادا عمل او للامتناع عن عمل من اعمال وظيفته

۲. يعاقب بالحبس مده لا تزيد على خمس سنوات و بغرامه لاتزيد على الف دينار او باحدى هاتين العقوبتين كل من عرض على موظف عام دون ان يقبل منه عرضه و عده او اعطيه لاداء عمل او للامتناع عن عمل اخلا لا بواجبات وظيفته

۲-۵. قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی

ماده واحده- قبول هرگونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه گانه، سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می گردد. از مواردی که به جرم ارتشا بسیار نزدیک است، اخذ کمیسیون و به اصطلاح پورسانت در معاملات دولتی است که به خصوص در معاملات خارجی می تواند به مبالغ هنگفتی منجر و باعث بالا بردن قیمت کالاهای خریداری شده شود و موجبات وهن و سرشکستگی اعتبار شخصیت دولت و کارکنان آن و مردم را در نزد بیگانگان فراهم آورد. به عقیده برخی از حقوق دانان و قوانین موضوعه سایر کشورها، تفاوتی که بین ارتشا و اخذ کمیسیون یا پورسانت وجود دارد، در این است که در ارتشا که جرم سنگین تری است، مال پیشاپیش و برای واداشتن کارمند به تخلف و عدول از انجام وظایف قانونی داده می شود، در صورتی که در اخذ پورسانت که جرمی سبک تر است، مال می تواند پس از انجام کار مورد درخواست و بدون پیشنهاد قبلی از سوی کارمند و فقدان توافق بین طرفین داده شود.

در حقوق ایران تا قبل از سال ۱۳۷۲، قانونی در مورد اخذ کمیسیون و حق العمل در معاملات دولتی نبود تا اینکه به علت گسترش این نوع فعالیت ها و احساس خلأ قانونی در این حوزه، در تیرماه سال ۱۳۷۲، ماده واحده ای تحت عنوان قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۴۰۷). در نظام حقوقی کویت نیز، قانون خاصی تحت عنوان قانون آشکارسازی کمیسیون هایی (پورسانت) که در قراردادهای دولتی داده می شود، وجود دارد که به همه طرف های قراردادهای دولتی الزام می کند که هرگونه پرداخت های اضافی (مانند کمیسیون یا پورسانت) به افراد یا شرکت های واسطه، بایستی به طور دقیق شفاف سازی شود، در غیر این صورت دادستانی صلاحیت ورود و تعقیب جرائم موضوع این قانون را دارد.^۱

۳-۵. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال

۱. بشأن الكشف عن العمولات التي تقدم في العقود التي تبرمها الدولة / قانون رقم ۲۵ لسنة ۱۹۹۶

بدهد. رسیدگی به این جرائم به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ مصوب سال ۱۳۶۳ و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در دادگاه انقلاب صورت می‌گیرد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۴۰۵). هدف اصلی این قانون، جلوگیری از فسادهای مالی و تضمین این بوده است که افراد از موقعیت‌های شغلی و جایگاه خود جهت ثروت‌اندوزی، سوءاستفاده غیرقانونی نکنند. در ماده ۱ قانون مبارزه با فساد کویت نیز به جرمی تحت عنوان کسب از طریق غیرمشروع اشاره شده است که قرابت زیادی با این قانون دارد. ماده ۱ قانون فوق‌الذکر هر افزایش ثروت یا کاهش بدهکاری غیرعادی و نامتناسب با شغل و درآمد کارمندان دولت را تحت عنوان کسب از طریق نامشروع آورده و احتمال وقوع فساد را در این شرایط داده است. به عبارتی هر افزایش ثروتی که با وضعیت و درآمدهای فرد تناسب نداشته باشد و نتوان دلیل قانونی برای آن ارائه کرد، مشکوک به فساد تلقی و کارمند مشکوک ملزم به شفاف‌سازی است و در صورت عدم توانایی وی در ارائه دلیل قانع کنند، مجرم شناخته خواهد شد (علی غشام، ۲۰۲۰: ۲۱۶).

۴-۵. قانون تأسیس هیئت عمومی مبارزه با فساد شماره ۲ سال ۲۰۱۶

محدوده جرائمی که این هیئت صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارد مشخص شود، شامل دو بخش می‌شود: یکی نوع جرائم (موضوع) و دیگری افراد مشمول این قانون (شخص). تعیین دقیق این حدود بسیار مهم است، زیرا هرگونه تجاوز از این حدود، نقض اصل قانون‌مداری و حاکمیت قانون در امور کیفری محسوب می‌شود. بنابراین، این مبحث به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول به بررسی محدوده موضوع اختیارات هیئت می‌پردازد و در آن جرائمی که تحت عنوان فساد تعریف می‌شوند، بررسی می‌گردند؛ و بخش دوم به بررسی محدوده اشخاص و افراد در صلاحیت و اختیارات هیئت می‌پردازد و در آن افرادی که مشمول قانون مبارزه با فساد هستند مشخص می‌شوند (بوعرکی، ۲۰۲۳: ۶۰).

۴-۵-۱. موارد جرم‌انگاری شده

همان‌طور که مشاهده می‌شود در تعریف فساد، قانون‌گذار به هیئت مبارزه با فساد اختیارات خاصی در زمینه تحقیق و تعقیب کیفری داده است، اما این اختیارات محدود به جرائم و فعالیت‌های خاصی است. ماده ۲۲ قانون تأسیس هیئت عمومی مبارزه با فساد، این جرائم و فعالیت‌ها را به‌طور مشخص تعریف کرده و برشمرده است. این جرائم عبارت‌اند از جرائم رشوه و سوءاستفاده از نفوذ در قانون مجازات شماره ۳۱ سال ۱۹۷۰، جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در قانون شماره ۱۰۶ سال ۲۰۱۳، جرائم فرار مالیاتی در قانون مالیات بر درآمد شماره ۳ سال ۱۹۵۵، جرائم قاچاق کالا در قانون گمرک یکپارچه کشورهای شورای همکاری

خلیج فارس شماره ۱۰ سال ۲۰۰۳، جرائم مربوط به رقابت ناسالم در قانون حفاظت از رقابت شماره ۱۰ سال ۲۰۰۷، جرائم مربوط به عدم افشای کمیسیون‌ها و اخذ پورسانت در قانون افشای کمیسیون‌ها در قراردادهای دولتی شماره ۲۵ سال ۱۹۹۶، جرم جعل در قانون مجازات شماره ۱۶ سال ۱۹۶۰، جرم کسب و تحصیل از طریق غیرقانونی در قانون هیئت مبارزه با فساد و سایر جرائمی که در قوانین خاص مشمول عنوان فساد می‌باشند.^۱

مسئله جالبی که در این قانون به چشم می‌خورد، جرم‌انگاری جرم خاصی تحت عنوان کسب و تحصیل از طریق نامشروع است. کسب و تحصیل غیرمشروع که در ماده یک این قانون تعریف شده عبارت است از هرگونه افزایش در دارایی یا کاهش در بدهی‌ها که به دلیل تصدی یک سمت دولتی یا عمومی برای فرد مشمول این قانون یا فرزندان او یا افرادی که تحت سرپرستی او هستند، رخ دهد، در صورتی که با درآمدهای آن‌ها تناسب نداشته و توجیه‌پذیر نباشد. به عبارت بهتر، هرگاه یک مقام دولتی یا فردی که مسئولیت عمومی دارد، به‌طور ناگهانی ثروتمند شود و این ثروت با درآمدهای قانونی او همخوانی نداشته باشد، احتمال اینکه او به نحوی غیرقانونی به این ثروت دست یافته است، بالا است. این عمل، کسب و تحصیل از طریق غیرمشروع نامیده شده و جرم محسوب می‌شود. نکات کلیدی این جرم خاص عبارت‌اند از: تناسب نداشتن افزایش ثروت یا کاهش بدهی‌ها با درآمدهای فرد که مهم‌ترین شرط برای اثبات جرم کسب غیرمشروع است؛ توجیه‌ناپذیری که علاوه بر تناسب نداشتن، افزایش ثروت باید توجیه منطقی نیز نداشته باشد. همچنین در کسب غیرقانونی، نه تنها خود فرد، بلکه خانواده او نیز مشمول این قانون می‌شوند. هدف از جرم‌انگاری کسب و تحصیل از طریق نامشروع در این قانون، مبارزه با فساد و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی برای کسب ثروت‌های نامشروع است که هرگونه افزایش ناگهانی و غیر قابل توجیه در ثروت مقامات دولتی را شناسایی و با آن برخورد شود (الکندی و غنام، ۲۰۱۱: ۶۸).

۵-۴-۲. اشخاص و افراد مشمول

ماده دوم قانون هیئت مبارزه با فساد، افرادی را که مشمول این قانون می‌شوند به شرح زیر مشخص کرده است: رئیس‌جمهور، معاونین رئیس‌جمهور، وزرا و کسانی که در سطح وزیر مسئولیت اجرایی دارند، رئیس و نایب‌رئیس و اعضای مجلس ملت، رئیس و نایب‌رئیس و اعضای شورای عالی قضایی، رئیس و مشاوران دادگاه قانون اساسی، دادستان‌ها، رئیس و اعضای اداره فتوا و قانون‌گذاری، مدیرکل و اعضای اداره کل تحقیقات وزارت کشور، اداره حقوقی شهرداری کویت، داوران، کارشناسان، مدیران تصفیه، نگهبانان دادگاه، وکلای دعوی، سردفتران و نویسندگان اسناد رسمی در اداره ثبت اسناد و املاک وزارت دادگستری، رئیس و

نایب‌رئیس و اعضای شورای شهر، رئیس و اعضای شوراهای محلی و کمیته‌هایی که مسئولیت اجرایی دارند و توسط قانون یا مصوبه دولت تشکیل شده‌اند، رئیس دستگاه بازرسی مالی و معاون وی، رؤسای بخش‌ها و بازرسان مالی، و... به عبارت ساده‌تر، هر کسی که در یک پست دولتی یا عمومی مسئولیت دارد، مشمول قانون مبارزه با فساد می‌شود. به عبارت دیگر، اگر این افراد مرتکب فساد شوند، هیئت عمومی مبارزه با فساد می‌تواند آنان را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.^۱

ماده ۲ قانون تأسیس هیئت عمومی مبارزه با فساد با مشخص کردن افرادی که در معرض خطر تعارض منافع هستند، نقش بسیار مهمی در پیشگیری و مبارزه با فساد ایفا می‌کند، چراکه تعارض منافع به وضعیتی گفته می‌شود که در آن یک فرد یا سازمان به دلیل منافع شخصی یا گروهی، قادر نباشد به‌طور بی‌طرفانه و در جهت منافع عمومی عمل کند. این وضعیت می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست، سوءاستفاده از قدرت و در نهایت فساد شود. این ماده به‌عنوان یک ابزار قانونی، به دولت کمک می‌کند تا شفافیت و پاسخگویی را در سیستم اداری افزایش داده و از منابع عمومی محافظت کند. قانون کوریت در تعریف افرادی که مرتکب فساد می‌شوند، یک مشکل اساسی دارد و آن اینکه در جرائم مختلف، تعریف «مأمور دولت» متفاوت است. برای مثال، در جرم رشوه، تعریف بسیار گسترده است و شامل کارمندان شرکت‌های نیمه‌دولتی نیز می‌شود، اما در جرم اختلاس اموال عمومی، این تعریف محدودتر است. این تفاوت در تعاریف از مأمور و کارمند دولت، می‌تواند باعث سردرگمی و مشکلات حقوقی شود. همچنین، اینکه به مسئولان هیئت عمومی مبارزه با فساد اجازه داده شده تا تحقیق و تعقیب کنند، بدون اینکه نظارتی بر آن‌ها وجود داشته باشد و این می‌تواند خطرناک باشد (الکندی و غنام، ۲۰۱۱: ۲۲).

۳-۴-۵. سازوکارهای هیئت مبارزه با فساد

سازوکارهای هیئت مبارزه با فساد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. روش‌های سنتی با رویکرد جدید: برخی از روش‌های کار هیئت، مانند روش‌های پلیس آگاهی و ضابطین دادگستری (مثل دریافت گزارش‌های، تحقیق در صحنه جرم و...) است، اما قانون‌گذار برای این روش‌ها قوانین خاصی وضع نموده و آن‌ها را کمی متفاوت‌تر از روش‌های معمول کرده است.

۲. روش‌های کاملاً جدید: برخی از روش‌های کار هیئت نیز کاملاً نو و منحصر به فرد هستند.

در قانون هیئت مبارزه با فساد، به موضوع دریافت گزارش‌ها و شکایات توجه ویژه‌ای شده است به‌گونه‌ای که ماده ۵ این قانون به صراحت بیان می‌دارد که یکی از وظایف اصلی هیئت، دریافت گزارش‌ها و شکایات مربوط به فساد، بررسی آن‌ها و در صورت وجود شبهه جرم، ارجاع پرونده به مراجع قضایی است. اگرچه

دریافت گزارش و شکایت یکی از وظایف معمول دستگاه‌های قضایی و انتظامی است، اما در مورد هیئت مبارزه با فساد، این کار اهمیت بسیار بیشتری دارد و رویه‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است (بوعرکی، ۲۰۲۴: ۸۱). قانون‌گذار برای هیئت مبارزه با فساد اختیارات ویژه‌ای هم در نظر گرفته است. یکی از این اختیارات، حق دریافت انواع مختلف گزارش‌ها و اطلاعات در مورد فساد است. در این قانون، علاوه بر کلمه شکایت، از کلمات گزارش و اطلاعات نیز استفاده شده است که تفاوت‌هایی باهم دارند.

شکایت، معمولاً توسط فردی که مستقیماً متضرر شده و آسیب دیده است، مطرح می‌شود و هدف از آن پیگیری قانونی علیه فرد مجرم و خاطی است، اما گزارش، می‌تواند توسط هر فردی که اطلاعاتی در مورد یک جرم دارد، ارائه شود. حتی اگر این فرد خود ضرر و آسیبی ندیده باشد. در مورد فساد، معمولاً دولت یا جامعه به‌عنوان یک کل منسجم آسیب می‌بیند و افراد کمتر به‌عنوان شاکی خصوصی مطرح می‌شوند. از این جهت، استفاده از واژه گزارش در این قانون مناسب‌تر است، زیرا نشان می‌دهد که هر فردی می‌تواند اطلاعات خود را در مورد فساد به هیئت ارائه دهد. همچنین استفاده از کلمه اطلاعات در این قانون، نشان‌دهنده این است که هیئت مبارزه با فساد تنها به گزارش‌های رسمی و کتبی محدود نمی‌شود و می‌تواند از هر نوع اطلاعاتی، حتی اطلاعات غیررسمی یا شفاهی، برای بررسی موارد مشکوک به فساد استفاده کند. این امر به هیئت امکان می‌دهد تا به اطلاعاتی که از طریق رسانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی یا منابع دیگر به دست می‌آید، نیز توجه کند (بوعرکی، ۲۰۲۴: ۸۸).

به دلیل اهمیت ویژه‌ای که هیئت مبارزه با فساد به موضوع گزارش‌دهی فساد می‌دهد، مفاد مربوط به آن را در چندین ماده به تفصیل آورده شده است. برای مثال، ماده ۳۷ این قانون ۱ بیان می‌کند که هر فردی موظف است فساد را گزارش کند و افرادی که چنین گزارش‌هایی می‌دهند، از حمایت‌های قانونی برخوردار خواهند بود. این بدان معنی است که کسی که جرمی را گزارش می‌کند، نباید به دلیل این کار مورد آزار و اذیت قرار بگیرد. ماده ۲۰ قانون ۲ به‌طور مشخص بیان می‌کند که هر فردی که از وقوع جرم فساد آگاه شود، باید این موضوع را به هیئت گزارش دهد و اطلاعاتی که در اختیار دارد را در اختیار هیئت قرار دهد. هیئت نیز موظف است این اطلاعات را بررسی کند و در صورت تأیید، اقدامات قانونی لازم را انجام دهد. اگرچه قانون به صراحت گزارش‌دهی جرائم فساد را اجباری کرده است، اما برای عدم گزارش‌دهی جرم فساد، مجازاتی در نظر نگرفته است (الجبوری، ۲۰۲۰: ۱۶۸).

۵-۵. قانون حمایت از اموال عمومی کویت ۱۹۹۳

این قانون جهت حفاظت از اموال و دارایی‌های عمومی که متعلق یا تحت نظر دولت و سازمان‌های عمومی هستند، وضع گردیده است. فصل سوم این قانون از ماده ۹ تا ۲۳ به جرائم مرتبط با سوءاستفاده و تضییع از اموال عمومی بمانند اختلاس، کلاهبرداری، افشا اطلاعات محرمانه حرفه‌ای، تخریب، تصرف غیرقانونی... سایر جرائم مشابه می‌پردازد. نکته قابل توجه اینجاست که مجازات‌های این جرائم بسیار سنگین هستند و شامل حبس ابد، جریمه نقدی سنگین، عزل از شغل و بازگرداندن اموال مسروقه می‌شود. هدف از این قانون، حفاظت از اموال عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده کارمندان و کارکنان دولت از آن‌ها است. برای نمونه در ماده ۹ این قانون،^۱ برای جرم اختلاس در اموال دولتی مجازات حبس ابد یا حبس موقتی که حداقل آن پنج سال است، وضع گردیده است یا در ماده ۱۴ این قانون چنانچه بر اثر اهمال و سهل‌انگاری و بی‌توجهی کارمند دولت، آسیب و خسارتی به اموال عمومی وارد آید، به حبس موقت تا سه سال یا جریمه نقدی سه هزار تا بیست هزار دینار یا هردو مجازات محکوم خواهد شد و چنانچه خسارت وارده بسیار زیاد باشد یا به وضعیت تجاری یا اقتصادی کشور آسیب برساند، مجازات به حبس موقتی که حداقل سه سال باشد یا جزای نقدی بیست هزار تا صد هزار دینار یا هردو افزایش خواهد یافت.

مقایسه مجازات جرم اختلاس در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ایران با ماده ۹ قانون حمایت از اموال عمومی کویت و مجازات جرم تصرف غیرقانونی در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ایران با ماده ۱۴ قانون حمایت از اموال عمومی کویت، می‌توان به رویکرد سخت‌گیرانه، جدیت و حساسیت قانون‌گذار کویت در قبال این جرائم پی برد. در این قبیل جرائم که مربوط به منافع عمومی است، رویکرد سیاست جنایی کویت جهت مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع به سمت وسوی امنیت مداری و سختگیری پیش می‌رود. برای نمونه ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر^۲ اشعار می‌دارد: هر کارمند دولتی که در مدیریت، نظارت یا اجرای قراردادها، تأمین کالاها یا پروژه‌های دولتی دخیل باشد و به‌طور غیرقانونی برای خود (لنفسه بالذات) یا شخص دیگری (أو لغيره) سود (ربح) یا منفعتی (أو منفعة)

۱. يعاقب بالحبس المؤبد أو المؤقت الذي لا تقل مدته عن خمس سنوات كل موظف عام أو مستخدم أو عامل اختلس أموالاً أو أوراقاً أو أمتعة أو غيرها مسلمة إليه بسبب وظيفته وتكون العقوبة الحبس المؤبد أو المؤقت الذي لا تقل مدته عن سبع سنوات إذا ارتبطت الجريمة بجناية أخرى إرتباطاً لا يقبل التجزئة.

۲. يعاقب بالحبس المؤبد أو المؤقت الذي لا تقل مدته عن سبع سنوات كل موظف عام أو مستخدم أو عامل له شأن في إدارة المقاولات أو التوريدات أو الأشغال المتعلقة بإحدى الجهات المشار إليها في المادة الثانية، أو يكون له شأن في الإشراف عليها، حصل أو حاول أن يحصل لنفسه بالذات أو بالواسطة أو لغيره بأي كيفية غير مشروعة على ربح أو منفعة من عمل من الأعمال المذكورة.

کسب کند یا تلاش کند که چنین سودی را به دست آورد، به حبس ابد یا حبس موقت به حداقل هفت سال محکوم می‌شود.

۵-۶. قانون پیشگیری از تعارض منافع کویت شماره ۱ سال ۲۰۲۳

ماده یک و دو این قانون به تعریف و مشخص کردن یک سری از اصطلاحات و عبارات موجود در این قانون از جمله تعریف هیئت به عنوان هیئت عمومی مبارزه با فساد، موقعیت‌های تعارض منافع، گروه‌ها و اشخاص مشمول این قانون که در ماده (۲) ذکر شده‌اند، سازمان و نهادی که فرد باید اطلاعات خود را برای آن افشا کند، منافع شخصی، نحوه افشای اطلاعات، گزارش دهنده موقعیت‌های تعارض منافع، سهم مؤثر در شرکت و میزان سرمایه مالی و... می‌پردازند. ماده سوم از قانون پیشگیری از تعارض منافع نیز مقرر می‌کند که افراد مشمول این قانون باید در صورت مواجهه با تعارض منافع، ظرف مدت حداکثر پانزده روز از تاریخ آگاهی از وجود چنین موقعیتی، آن را اعلام کنند و نیز باید فوراً این موقعیت تعارض را از طریق عدم تصمیم‌گیری یا از بین بردن عامل و دلیل بروز چنین شرایطی در مورد خود، رفع نمایند. همچنین در صورتی که سازمان و یا نهاد مربوطه، از وجود شرایط تعارض منافع آگاه شود، موظف است به فرد مورد نظری که در این شرایط قرار دارد، به صورت کتبی اعلام کند که باید این موضوع را افشا نماید. اگر فرد مذکور موقعیت تعارض منافع را مدیریت یا رفع نکند، سازمان مربوطه موظف است موضوع را به دادستانی یا هیئت عمومی مبارزه با فساد گزارش دهد. قانون همچنین مجازات‌های جزایی و انضباطی را برای عدم افشای تعارض منافع یا اتخاذ تصمیمات و اقدامات در حالت وجود تعارض منافع پیش‌بینی کرده است (العجمی، ۲۰۲۰: ۵۴).

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و کویت در حوزه مدیریت تعارض منافع نشان می‌دهد که هر دو کشور به اهمیت موضوع تعارض منافع پی برده و قوانین و مقررات زیادی را جهت مدیریت آن وضع نموده‌اند. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی در رویکردها، جامعیت قوانین و اثربخشی آن‌ها وجود دارد، به طوری که در ایران، قوانین پراکنده و گاه متناقضی در این زمینه وضع گردیده است و مکانیزم‌های اجرایی ضعیف، مانع از اجرای مؤثر آن‌ها شده است. در مقابل، کویت قوانین جامع‌تری دارد و به نظر می‌رسد در اجرای آن‌ها نیز موفق‌تر بوده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان پیشنهاد کرد که ایران به منظور بهبود نظام مدیریت تعارض منافع در کشور، پیشنهاد می‌شود قانون جامع و مستقلی تدوین شود که در آن، مفاهیم و موقعیت‌های تعارض منافع به طور دقیق تعریف شده و دامنه شمول آن برای افراد مشخص گردد. همچنین، این قانون باید

بر ضرورت افشای کامل دارایی‌ها توسط افراد مشمول تأکید نموده و مکانیزم‌های گزارش‌دهی و شفاف را تعیین نماید. علاوه بر این، قانون مذکور باید به تدوین و اجرای کدهای اخلاقی حرفه‌ای برای کلیه کارکنان بخش عمومی و خصوصی پرداخته و با تأکید بر آموزش و ارتقای آگاهی عمومی، فرهنگ شفافیت، تکریم ارباب‌رجوع، وفاداری به سازمان، وقت‌شناسی و پاسخگویی را در جامعه نهادینه نماید.

در این قانون، باید به جای اتکا بر مجازات‌های صرف کیفری، بر اقدامات و دستورات پیشگیرانه غیرکیفری جهت مدیریت تعارض منافع و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر تأکید شود. همچنین، با توجه به نقش مهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور، این قانون باید الزامات لازم را برای شفافیت و پاسخگویی در این بخش را نیز پیش‌بینی نماید. همچنین شایسته است در این قانون در کنار مجازات‌های کیفری سخت و حتمی جهت بالا بردن خطر و ریسک جرم به پاسخ‌های غیر سرکوبگرانه از سوی جامعه مدنی و شهروندان نیز اهتمام ورزیده شود. درنهایت، در گفتمان قانون‌گذاری بایستی به این نکته اشاره کرد که در قانون باید مقبولیت و امکان اجرا لحاظ گردد، در غیر این صورت وضع چنین قانونی به منزله دعوت عمومی بر نقض قانون است و همانند برخی از قوانین پیشین متروک و بلااثر خواهد ماند.

کویت نیز می‌تواند با تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در این زمینه، نظام خود را بهبود بخشد. درنهایت، شاید بتوان با همکاری‌های بین‌المللی و تبادل تجربیات بین دو کشور به هر دو طرف کمک کرد تا بهترین شیوه و سازوکارها را جهت تقویت سیاست‌های خود در حوزه مدیریت تعارض منافع اتخاذ کنند.

فهرست منابع

- آشوری، محمد (۱۴۰۰). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، ویراست ششم، تهران: انتشارات سمت.
- بوعرکي، حسين جمعه. (۲۰۲۴). «منهج المشرع الكويتي في تحديد الدور الوظيفي للهيئة العامة لمكافحة الفساد حيال شبهات الفساد في ضوء الاتفاقيات الدولية والتشريعات الوطنية»، *مجلة الحقوق*، ۴۸.
- بوعرکي، حسين جمعه؛ العيفان، مشارى (۲۰۲۱). *الوسيط فى قانون الاجراءات الجزائية الكويتي*، كلية الحقوق، جامعه الكويت.
- پاشایی، حسين؛ معتمدی، جواد (۱۳۹۸). *اصلاح فرايندهای قضايی در پرتو راهبرد رفع موقعيت‌های تعارض منافع*، فصلنامه حقوق خصوصي، شماره ۳۴.
- پرهيزکاری، سيدعباس؛ رزقی، ابوالفضل (۱۳۹۶). *راهکارهای پیشگیری و مدیریت تعارض منافع، معاونت پژوهش‌های اقتصادی*، دفتر مطالعات اقتصادی بخش عمومی.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۵). *جرائم عليه امنيت و آسایش عمومی*، تهران: انتشارات جنگل.
- الجبوري، عيسى تركى خلف (۲۰۲۰). *مبدأ سيادة القانون و اثره فى مكافحة الفساد*، كلية القانون والعلوم السياسية، جامعه كركوك، مع ۹.
- جهني، دعاء (۲۰۲۰). *تضارب المصالح فى الادارة العامة*، الكويت: دار العربى للنشر والتوزيع.
- حبيم، سليمان (۱۳۹۷). *فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی-فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- دهخدا، على اكبر (۱۳۹۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب الحلو، ماجد (۱۹۸۱). *القانون الادارى الكويتى وقانون الخدمة المدنية الجديد*، دار ذات السلاسل للطباعة و النشر و التوزيع.
- رزاقى، ابوالفضل؛ پرهيزکاری، سيدعباس (۱۳۹۶). *تعارض منافع، راهکارهای پیشگیری و مدیریت*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامى، شماره مسلسل ۱۵۸۰۱.
- الرشيدى، خالد صالح: بوعرکي، حسين جمعه (۲۰۲۱). «الاجراءات الوقائية فى القانون الاجراءات و المحاكمات الجزائية الكويتي»، *مجلة الدراسات الخليج و الجزيرة العربية*، جامعه الكويت.
- زينالو، مهدى؛ على احمدى، عليرضا؛ نريمان، سعيدى (۱۳۹۸). *بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمايندگان مجلس شورای اسلامى*، فصلنامه سياست گذارى عمومى، شماره ۲.
- صفایى، سيدحسين؛ اسدالله امامى (۱۳۸۸). *مختصر حقوق خانواده*، چاپ نوزدهم، تهران: بنياد حقوقى ميزان.
- طهماسبى، جواد (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری (جلد سوم)*، چاپ سوم، تهران: بنياد حقوقى ميزان.
- عباچي، مريم (۱۳۸۳). «پيشگيرى از بزه‌کاری و بزه ديدگى کودکان»، *مجلة حقوقى دادگستري*، دوره ۶۷، شماره ۴۷.
- العجمى، عبدالهادى (۲۰۲۳). «اجراءات منع تعارض المصالح فى القانون الكويتى ۲۰۲۳/۱ دراسه مقارنة بالفقه الاسلامى»، *مجلة الفرائد فى البحوث الاسلاميه و العربية*.
- العصيمي، محمد ضوى (۲۰۲۲). «احكام تعارض المصالح فى النظام الكويتى دراسه مقارنة باحكام الفقه الاسلامى»، *مجلة*

الحقوق للبحوث القانونيه و الاقتصاديه، جامعه الاسكندريه.

على غشام، على فالح (۲۰۲۰). «مصدرية قانون الجزاء الكويتي جريمه الرشوه نموذجا»، مجله الدراسات الاسلاميه و البحوث الاكاديميه، جامعه القاهره.

فخر، حسين (۱۳۹۰). «بررسی قلمرو قاعده ممنوعیت جمع مشاغل دولتی»، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره سوم.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). *جرائم علیه مصالح عمومی کشور*، بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهل و دوم.

یوسفی، ایمان (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری، جلد دوم*، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

References

- Commonwealth Secretariat, 2008, Commonwealth Anti-crruption Project, Conflict of Interest, Commonwealth Law Bulletin, 34(2)
- Davids, Cindy (2008). Conflict of Interest in Policing: Problems, Practices, and Principles, Institute of Criminology.
- Hendrick, Diane, Schwendenwein, Ursual, Teutsch, rudiger, 1998, Peace Education and Conflict Resolution by Interkulerelles Zentrum.
- Institute of Medicine (2009). Board on Health Sciences Policy, Committee on Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice, Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice, National Academies Press.
- Kernaghan, K, & Langford, J. W. 1990. The responsible public servant. Halifax, N.S: Institute of Public Administration of Canada.
- Thompson, Dennis (1993). Understanding financial conflicts of interest, The New England journal of medicine.